

زندگی بهره‌های خداوندی

محمد حسین شیخ شعاعی

۱. خداوند از همان موقع که به شیطان بعد از رانده شدنش چک سفید می‌داد، (که تا قیامت هر غلطی خواست بکند) به فکر تک‌تک بنده‌هایش هم بوده است و اگر به شیطان قدرت نفوذ در قلب آدم را داد، در عوض خودش همه امکانات را برای پشت گرمی بهترین مخلوقش بسیج کرد تا پشت شیطان را به خاک بمالد. یکی از جلوه‌های این عنایت و خاطرخواهی خدا تلنگرهایی است که به موقع نصیب بنده‌هایش می‌کند تا حواسشان را جمع کنند و خطا نکنند. تلنگرها، هشدارها و هشیارباش‌هایی هستند که به صورت‌های مختلف در لغزش‌گاه‌ها و موقعیت‌های گناه‌خیز پیش چشم آدم خود را نشان می‌دهند و حقایق را یادآوری می‌کنند. این چیزی است که هر کدام از ما می‌تواند کاملاً درک کند و نمونه‌هایی از آن را در زندگی خود بباید (البته اگر چشم‌ها باز باشد) چراکه دور از جان شما، بعضی‌ها نه که سر طناب را داده‌اند دست شیطان، دیگر نیازی به نگاه کردن و مراقب بودن ندارند! آنها چشم بسته جوری با مهارت تمام همه موانعی را که خدا کار گذاشته است رد می‌کنند که خود شیطان دهنش باز می‌ماند.

۲. گاهی که به گناه نزدیک می‌شویم یا نزدیک است که نزدیک بشویم با مانع تراشی‌های خدا روبه‌رو می‌شویم. انگار که خداوند به همه اجزای عالم دستور بدهد: بگیریدش، جلوی‌ش را بگیرید نگذارید برود، ماشینش را پنجر کنید، برق خانه‌شان را قطع کنید یک مزاحم بفرستید سراغش و از این قبیل و البته سر آخر حق انتخاب و اختیار کامل از آن شماس! خدا فقط تلنگر می‌زند تا فضای ذهن ما را که ممکن است با وسوسه‌ها و توجیه‌های شیطان قبضه و کاملاً آماده گناه شود به هم بریزد و فرصتی هر چند اندک به‌وجود بیاورد تا برای یک لحظه هم که شده سر جایمان بایستیم و درباره کاری که داشتیم انجام می‌دادیم فکر کنیم.

۳. هشدارها و تلنگرهای خداوند همیشه و همه جا هستند اما نسبت و شرایط و موقعیت‌ها و درجه ایمان و تقوای اشخاص متفاوت هستند. همان‌طور که عکس‌العمل اشخاص گوناگون هم در برابر این تلنگرها متفاوت است و چه بسیار اتفاق افتاده است که انسانی با دریافت و جدی گرفتن به موقع یک تلنگر از دل تاریکی به اوج روشنائی رسیده و از بدبختی نجات پیدا کرده و برعکس! بعضی‌ها به تلنگرهای اساسی و سهمگین نیاز دارند به یک تنبیه حسابی و معلوم هم نیست که نتیجه بدهد. بعضی‌ها هم از نشانه‌های کوچکی پیام‌های بزرگ دریافت و راهشان را پیدا می‌کنند. اینها کسانی هستند که از قبل خودشان را آماده کرده‌اند. مثل قضیه همان آئینه معروف که وقتی تیره باشد و چرک و پر از غبار، لامپ هزار وات هم که جلوی‌ش بگذاری چیزی پس نمی‌دهد ولی وقتی تمیز و پاکیزه شد کورسوها را هم باز می‌تاباند حالا تصور کنید آینه دل کسی محدب باشد آن وقت نورهای گوشه و کنار را هم به میان می‌کشد. یعنی همه چیز به ظرفیت و وضعیت روحی طرف (جنم) بستگی دارد که در مقابل نشانه‌های خدا چه نشان می‌دهد. حالا به حضرت یوسف علیه السلام فکر کنید و جاهای هیجان‌انگیز قضیه!

به گفته قرآن آنچه که به یوسف نشان داده شد* برای یوسف یک برهان الهی بود. برهان یعنی دلیل محکم و قطعی که جای شک هم باقی نمی‌گذارد. این که یوسف چنین دلیل سفت و سخت و نشانه تأثیرگذاری را درک کرد خودش نشان دهنده بزرگی روح یوسف و وجود ملکه عصمت در این پیامبر خداست!

۴. این هنر یوسف و همه انسان‌های زنگ است که خود را از قبل برای همه امتحان‌ها آماده کنند و دائماً مراقب باشند تا تلنگرها و نشانه‌های الهی را که جلوه‌ای از یاری خداوند هستند مغتنم بشمارند و با تصمیم‌گیری‌های شجاعانه و به موقع از مهلکه‌ها جان سالم به در ببرند. یوسف در خلوت زلیخا خدا را دید و به زلیخا حتی نگاه هم نکرد.

* وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّاٰ بُرْهَانَ رَبِّهٖ... (یوسف، ۲۴)

